



# بولتن خبری - تحلیلی دیدہ بان آسیا



بِسْمِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ

# فهرست مطالب

اثر جنگ تجاری بر روابط اقتصادی چین و آمریکا

۴

ترامپ و آغاز جنگ تجاری با چین

۵

محورهای جنگ تجاری چین و آمریکا

۶

امضا فاز اول توافق تجاری چین و آمریکا

۷

اثر توافق تجاری چین و آمریکا بر اقتصاد ایران

۸

نگاه چینی‌ها به توافق تجاری با آمریکا

۱۰

چرا چین حاضر به امضای چنین توافقی شد؟

۱۲

کرونا و اقتصاد چین

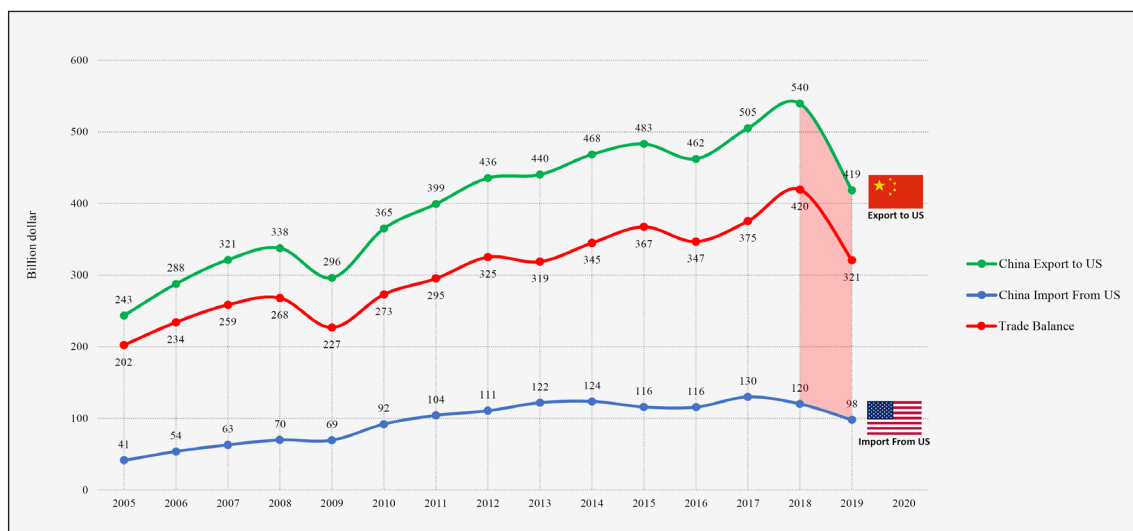
۱۴



## اثر جنگ تجاری بر روابط اقتصادی چین و آمریکا

برابر و واردات چین از آمریکا طی همین دوران ۱/۷ برابر شده است. تا پیش از آغاز جنگ تجاری آمریکا علیه چین میزان صادرات چین به آمریکا معادل ۵۴۰ میلیارد دلار و میزان واردات چین از آمریکا معادل ۱۲۰ میلیارد دلار بوده است؛ این در حالی است که در سال ۲۰۱۹ به دلیل آغاز جنگ تجاری بین دو کشور صادرات و واردات چین به و از آمریکا به ترتیب به ۴۱۹ و ۹۸ میلیارد کاهش پیدا کرده است.

چین بعد از آمریکا با ۱۳/۶ هزار میلیارد دلار GDP بزرگترین اقتصاد جهان است (GDP آمریکا معادل ۲۰/۵ میلیارد دلار است) این دو کشور از سال ۱۹۷۹ بیشترین حجم مبادلات تجاری را با یکدیگر داشته‌اند و حجم تجارت دو کشور به جز در مواقعی خاص (بحران‌های اقتصادی) همواره رو به رشد بوده است به طوری که صادرات چین به آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ حدوداً ۱/۵



Source: Sensus.gov





## ترامپ و آغاز جنگ تجاری با چین

آمریکا است ولی رویکرد دولت ترامپ برای پاسخ به این تهدیدات متفاوت از رویکرد دولت‌های قبلی آمریکا است؛ با توجه به اسناد امنیت ملی آمریکا، چین در بدترین حالت تا سال ۲۰۵۰ چه از نظر قدرت اقتصادی و چه از نظر قدرت سیاسی از آمریکا پیشی می‌گیرد؛ بر همین اساس آمریکا به دنبال کنترل رشد چین در تمامی سطوح است و هیئت حاکمه فعلی آمریکا در نظر دارد با استفاده از اعمال تعرفه‌های تجاری رشد اقتصادی و سیاسی چین را محدود نماید و در عین حال بنا دارد با عقد توافقات تجاری جدید با چین رشد اقتصادی آمریکا را نیز تسریع نموده و از انتقال فناوری‌های پیشرفته به چین جلوگیری نماید؛ البته آغاز چنین رویکردی در سیاست خارجی آمریکا غیرقابل پیش‌بینی نبود زیرا ترامپ بارها در کارزارهای انتخاباتی خود بیان کرده بود که وضعیت تجارت بین آمریکا و چین مغایر با عدالت اقتصادی است و باید شرایط تغییر کند.

آغاز جنگ تجاری آمریکا علیه چین یک موضوع خلق الساعه نیست بلکه یک الزام در منظومه برنامه‌های استراتژیک هیئت حاکمه ایالات متحده برای احیا جهان تک‌قطبی و بازسازی هژمونی آمریکا است که بعد از آغاز جنگ ۲۰۰۳ با عراق دچار فروپاشی شد؛ در واقع ترامپ بنا دارد با رویکردی نئومرکانتیلیستی جایگاه آمریکا در مناسبات بین‌المللی را احیا نموده و تهدیدات علیه خود را در تمامی سطوح برطرف نماید؛ برای این منظور برنامه‌ای منسجم تعریف کرده است؛ بر اساس گزارش‌های منتشر شده از جانب جامعه اطلاعاتی آمریکا کشورهای چین، روسیه و ایران به ترتیب در سطح استراتژیک، قاره‌ای و منطقه‌ای مهم‌ترین تهدیدات علیه آمریکا هستند و آمریکا قصد دارد با این تهدیدات مقابله نماید.

البته این تهدیدات موضوعات جدیدی برای آمریکا نیستند و تمامی دولت‌های آمریکا هدفشان احیای دوباره نظام تک‌قطبی با محوریت



## محورهای جنگ تجاری چین و آمریکا

با شیوه‌های تجارت ناعادلانه و سیاست‌هایی برای تولید کالاهایی با فناوری بالا در پی تضعیف صنایع آمریکا است.<sup>۱</sup> پروفیسور رابرت گروس از دانشگاه تندربرد، این شیوه‌های تجارت ناعادلانه را تقلبی با حمایت دولت توصیف می‌کند. به گفته وی، توافق‌نامه‌های سرمایه‌گذاری مشترک بین ایالات متحده و شرکت‌های چینی الزامات انتقال فناوری را شامل می‌شود؛ به این معنی که شرکت‌های آمریکایی باید دانش خود را به شریک چینی بدهند.

به گزارش بلومبرگ نیوز، رابرت لایتزر نماینده تجاری آمریکا و پیتر ناوارو مشاور تجارت ترامپ<sup>۲</sup> در تلاش برای ایجاد تغییرات ساختاری در سیاست‌های چین هستند و برای این منظور تنها از ابزار تعرفه وارداتی استفاده نمی‌شود بلکه از ۲۴ ژوئن ۲۰۱۹ آمریکا محدودیت‌های جدیدی را برای چینی‌ها جهت خرید شرکت‌های آمریکایی در نظر گرفته‌اند و در عین حال ترامپ مستقیماً از شرکت‌های آمریکایی تقاضا کرده است؛ که سرمایه‌گذاری‌های خود را در خاک آمریکا انجام دهند.

آمریکا با بهانه ناعادلانه بودن روابط تجاری خود با چین اقدام به شروع جنگ تجاری کرده است و انتقاداتش بر دو موضوع متمرکز است.

• اول: تراز تجاری منفی بیش از ۳۰۰ میلیارد دلاری با کشور چین

• دوم: شیوه انتقال ناعادلانه فناوری‌ها و دارایی‌های معنوی آمریکا به کشور چین (اشاره به برنامه چین مینی برسیدن به فناوری تولید برخی از محصولات پیشرفته و استراتژیک تا سال ۲۰۲۵ دارد که برای این منظور چین برخی شرکت‌های فناوری آمریکایی و غیرآمریکایی را که در زمینه صنایع کلیدی مثل صنایع نیمه‌هادی و روباتیک فعالیت می‌کردند؛ خریداری کرده است)

رابرت لایتزر<sup>۱</sup> نماینده تجاری ایالات متحده در بیانیه‌ای اظهار داشت: «دولت چین به طرز تهاجمی از طریق به دست گرفتن اقتصاد جهانی

1 Trade Representative

2 Trump trade advisor



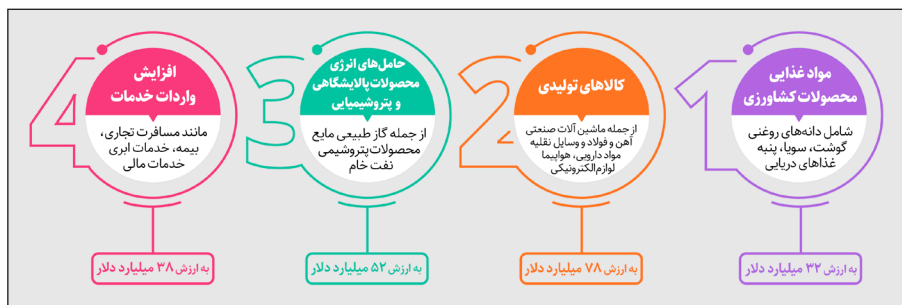


## امضا فاز اول توافق تجاری چین و آمریکا

اما براساس این توافق چین باید واردات کالاها و خدمات آمریکایی را طی ۲ سال حداقل به ۳۳۰ میلیارد دلار برساند (حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار بیش از سطح صادرات آمریکا به چین در سال ۲۰۱۷) چین باید در ۴ گروه محصولی اقدامات لازم را برای افزایش واردات اجرا نماید؛

در عین حال چین متعهد شده است که اصلاحات ساختاری را در رژیم اقتصادی و تجاری (حقوق مالکیت معنوی، رازهای تجاری، علائم تجاری و...)، قوانین تجارت محصولات کشاورزی و غذای، سیاست‌های کلان اقتصادی از جمله سیاست ارزی، خدمات مالی و انتقال فناوری انجام دهد؛ البته این توافق یک توافق کامل نیست و قرار است فاز دومی هم برای این توافق تعریف شود ولی هنوز اقدام خاصی توسط هیچ یک از طرفین صورت نگرفته است؛ پیش‌بینی می‌شود در فاز دوم تعرفه‌هایی که دو کشور بر اقلام وارداتی خود بسته‌اند برداشته شود و یا حداقل کاهش یابد.

بعد از حدود یک سال و نیم تنش در روابط تجاری چین و آمریکا (ژوئیه ۲۰۱۸ الی ژانویه ۲۰۲۰) توافقنامه اقتصادی و تجاری بین ایالات متحده و چین در واشنگتن به امضا رسید و از ۱۴ فوریه ۲۰۲۰ لازم الاجرا شد؛ طبق این توافقنامه، ایالات متحده تا حدودی تعرفه‌های مقرر در بند ۳۰۱ قانون تجارت ۱۹۷۴ را کاهش داده و یا به حالت تعلیق در می‌آورد. (در واقع تعرفه‌های گمرکی ۱۵ درصدی آمریکا که برای حدود ۱۸۰ میلیارد دلار از واردات آمریکا از چین تعیین شده است؛ به نصف کاهش خواهد یافت) آمریکا همچنین اعلام کرده است که تعرفه‌های گمرکی ۲۵ درصدی وضع شده بر ۲۵۰ میلیارد دلار از واردات آمریکا از چین همچنان به قوت خود باقی خواهند ماند و گفته می‌شود که آمریکا لغو این تعرفه‌های گمرکی جدید را موکول به مراحل بعدی توافق تجاری بین دو کشور کرده است؛ در مقابل چین نیز نرخ تعرفه‌هایی که بر واردات آمریکا اعمال کرده بود را حفظ کرد.



Source: Text of trade agreement



## اثر توافق تجاری چین و آمریکا بر اقتصاد ایران

### • درآمدهای صادرات محصولات پتروشیمیایی

ایران در سال ۲۰۱۷ حدود ۳/۵ میلیارد دلار صادرات محصولات شیمیایی به چین داشته است (که ۲ و ۱ میلیارد دلار از آن به ترتیب در کدهای HS چهار رقمی ۳۹۰۱ و ۲۹۰۵ بوده) و کل واردات چین در این زمینه با تنوع بسیار زیاد حدود ۱۸۹ میلیارد دلار است؛ (۱۶ و ۱۱ میلیارد دلار به ترتیب در کدهای HS چهار رقمی ۳۹۰۱ و ۲۹۰۵ واردات انجام داده است) اگر تمرکز آمریکا بر تضعیف ایران باشد امکان اینکه آمریکا محصولات خود را جایگزین صادرات ایران به چین نماید محتمل خواهد بود؛ این در حالی است که حدود ۱/۹ میلیارد دلار از صادرات ایران به چین در کد ۳۹۰۱ از گریدهای مختلف پلی اتیلن و حدود ۸۰۰ میلیون دلار از صادرات ایران در کد ۲۹۰۵ متانول بوده است؛ البته جایگزین شدن نیازمند سرمایه گذاری است و در کوتاه مدت امکان پذیر نیست ولی الزامی است تا ایران تنوع محصولات صادراتی خود را گسترش دهد.

در مجموع باید گفت احتمال اینکه ایران از جانب این توافق چندان متضرر شود محدود است ولی احتمال اینکه ایران از منفعت بهبود چشم انداز تقاضا بهره مند گردد بیشتر خواهد بود؛ در واقع قیمت نفت از محل پیش بینی تقاضای آتی افزایش یابد و درآمدهای نفتی ایران آتی ایران بیشتر شود.

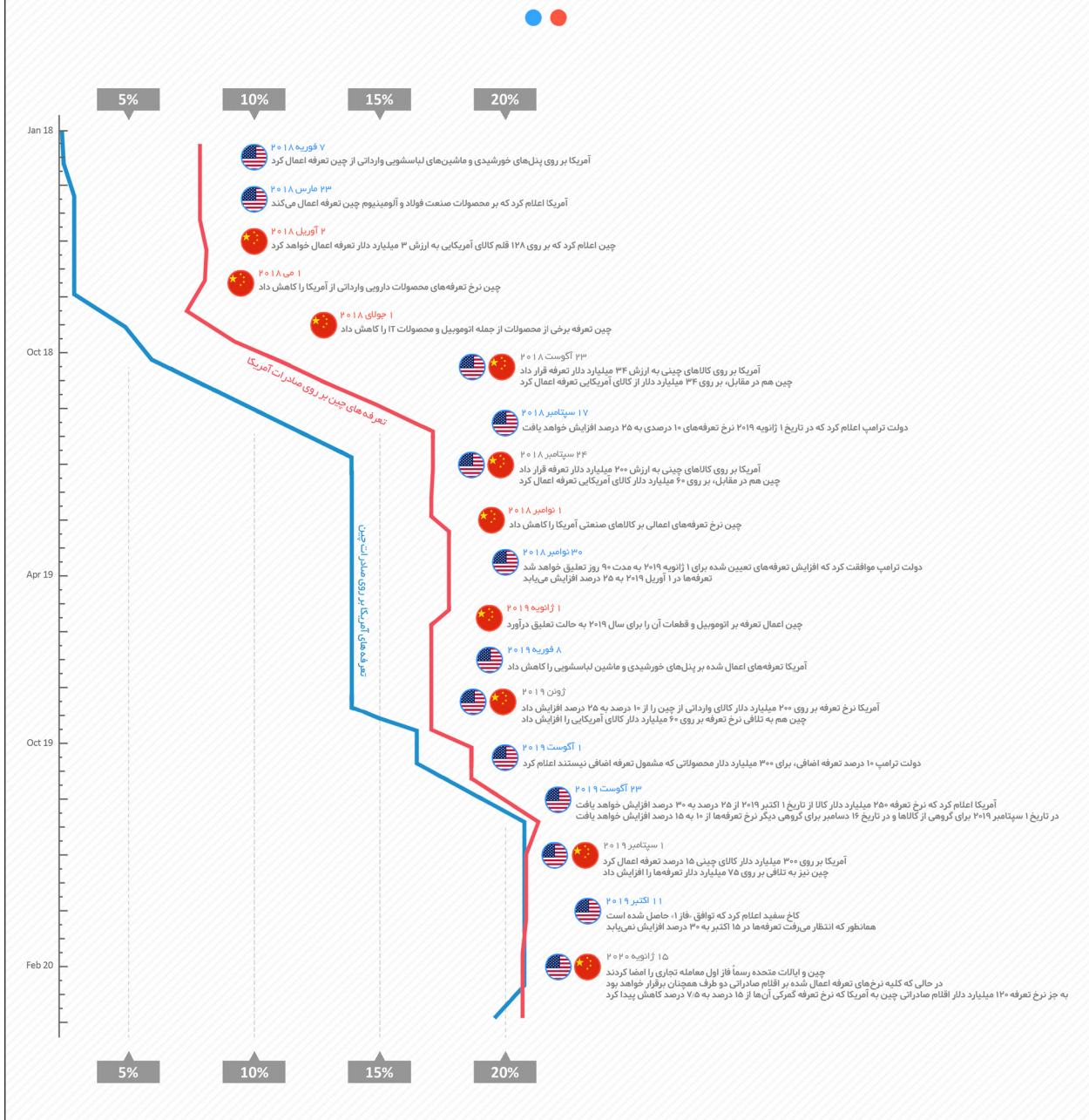
توافق تجاری چین و آمریکا یک واقعه اقتصادی بسیار بزرگ است که می تواند بر اقتصاد جهانی اثرات وسیعی بگذارد. در عین حال اقتصاد ایران نیز می تواند از این نظر تهدید شود در ادامه به برخی از کانال هایی که اقتصاد ایران از جانب آن ها احتمالاً متأثر خواهد شد اشاره می شود.

### • درآمدهای صادرات نفت

با توجه به اینکه چین تنها خریدار نفت ایران است؛ می توان نتیجه گرفت که به واسطه این توافق کل درآمدهای نفتی ایران دچار تغییراتی شود؛ اول اینکه این توافق می تواند زمینه مناسب برای بهبود چشم انداز اقتصادی چین باشد و از این جانب قیمت نفت افزایش یابد در عین حال این توافق می تواند اثر معکوسی برای درآمدهای نفتی ایران داشته باشد به ویژه اینکه یکی از مفاد توافقنامه چین و آمریکا خرید هر چه بیشتر چین از نفت آمریکا است؛ البته پالایشگاه های چینی برای اینکه بتوانند بازدهی کافی در پالایش داشته باشند باید تغییراتی در فرآیند تولید خود انجام دهند و این تغییرات نیازمند سرمایه گذاری است. بنابراین در کوتاه مدت امکان ایجاد چنین تغییراتی وجود ندارد؛ اما به طور کلی باید در نظر داشت که احتمال اینکه از سهم بازار روسیه و عربستان جایگزینی صورت گیرد بیشتر خواهد بود.



## گام‌ها و روند تحولات جنگ تجاری چین و آمریکا



Source:ft.com



## نگاه چینی‌ها به توافق تجاری با آمریکا

چینی با توجه به متن توافق دو کشور بیان می‌کنند که در این متن ۱۰۵ بار از عباراتی مثل «چین باید...» و «چین توافق می‌کند که...» استفاده شده است و ۷۷ بار از عباراتی مثل «دو کشور توافق کرده‌اند که...» استفاده شده ولی فقط ۵ بار از عبارت «آمریکا باید...» استفاده شده است؛ بنابراین نمی‌توان گفت این یک موافق نامه دوجانبه و متوازن است.

### • گروه دوم

مردم و نخبگانی هستند که اگر از آن‌ها سؤال شود که چه طرفی برنده این توافق است؛ پاسخ اکثر آن‌ها این است، «به‌طور قطع آمریکا برنده بوده است» باین حال آن‌ها امضای این توافق را به صلاح مردم یا ضروری می‌دانند؛ مثلاً افرادی مثل «شنگ هونگ»، مدیر پیشین موسسه تحقیقات اقتصادی پکن-تیانزه، که در مجموع بیان می‌کند که امضای توافق بین ایالات متحده و چین در واقع نابرابری در تجارت چین با آمریکا را اصلاح می‌کند. وی معتقد است؛ آمریکا چین را مجبور کرده که اصلاحات ساختاری خوبی را انجام دهد و این اصلاحات به

به‌طور کلی نظرات در کشور چین در رابطه با توافق تجاری با آمریکا در سه گروه دسته‌بندی می‌شود که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

### • گروه اول

عمده اقتصاددانان و مردم چین نگاه مثبتی به توافق نامه چین با آمریکا ندارند؛ به طوری که به محض امضای آن در چین درباره وزیر خارجه «چینگ لیو هی» بحث و گفت‌وگو صورت گرفت و جمله «تحقیر قدرت و توهین به کشور!» بر سر زبان‌ها جاری شد؛ از نظر اقتصاددانان چینی در این توافق نامه یک تضاد سطحی خیره‌کننده وجود دارد: «چین وعده خرید ۲۰۰ میلیارد دلار بیشتر را می‌دهد و ایالات متحده همچنان به تعرفه‌های اعمالی خود بر ۳۶۰ میلیارد دلار از صادرات چین به ایالات متحده ادامه می‌دهد.»

از آنجایی که چین قول بسیاری از شرایط را داده و قرار است کالاهای زیادی را خریداری کند؛ هنوز هم باید تعرفه‌های مجازات بالای آمریکا را تحمل کند و برای رسیدن به توافق باید تا مرحله دوم مذاکرات دوام آورد؛ علاوه بر این، کارشناسان

به دست آورده است.

در مورد پیش بینی آینده توافق نیز بسیاری از چینی ها معتقدند که ترامپ بعد از انتخابات ۲۰۲۰ مذاکرات جدی فاز دوم توافق را پیگیری می کند؛ نگارنده سه دلیل عمده را بابت این موضوع قابل ذکر می داند.

اول اینکه ترامپ قصد دارد از این توافق تجاری و موفقیتی در آن به دست آورده است برای پیروزی در انتخابات استفاده نماید و احتمالاً می خواهد ریسک عدم توافق در فاز دوم را فعلاً انجام نداده و به بعد از انتخابات موکول کند.

دوم اینکه احتمالاً ترامپ و تیم مذاکره کننده اش قصد ندارند که تحت فشار یک محدودیت زمانی برای رسیدن به توافق قرار گیرند زیرا در این صورت قدرت چانه زنی چینی ها افزایش می یابد و طرف مقابل را مجبور به انجام یک توافق می بینند و سطح خواسته های خود را بالاتر می برند.

سوم اینکه در صورتی ترامپ در انتخابات پیروز شود می تواند با دست بالاتری وارد مذاکرات جدی فاز دوم شود. زیرا مسائلی همچون مالکیت معنوی، سرقت سایبری و یارانه های شرکت های دولتی موضوعات بسیار دشواری است که قرار است در فاز دوم مورد توجه قرار گیرد.

نفع مردم چین است؛ به عنوان مثال، شرکت های دولتی در چین با شرکت های خصوصی برابر نیستند.

شرکت های دولتی از زمین آزاد و وام های بسیار بهره مند هستند که برای شرکت های خصوصی این امکان فراهم نیست؛ ایالات متحده دولت چین را برای اصلاح شرکت های دولتی تحت فشار قرار می دهد و این به نفع مردم چین است؛ یا افرادی مثل «بائو تانگ» که دبیر کل پیشین حزب کمونیست چین در پکن بوده است و بیان می کند: «اشتباه است که بگوییم چین در این توافق بازنده و آمریکا برنده است؛ تجارت همیشه انجام می شود و توافق نامه ها کاملاً ضروری است. اگر تجارت بین چین و آمریکا وجود نداشته باشد؛ چه اتفاقی برای جهان خواهد افتاد؟ مرحله دوم این توافق نیز امکان پذیر خواهد بود.»

#### • گروه سوم

افرادی هستند که به دیدگاه های رسانه های رسمی دولت چین نزدیک اند و این توافق را یک توافق متوازن برد - برد می دانند؛ مثلاً خبرگزاری شین هوا تأیید می کند که این توافق نامه ماهیت همکاری اقتصادی و تجاری چین و آمریکا و منافع متقابل را نشان می دهد و چین با امضا این توافق امتیازات قابل توجهی را







## چرا چین حاضر به امضای چین توافقی شد؟

### • کاهش رشد اقتصادی

یکی از دلایل اصلی این پابندی، تلاش چین جهت دور شدن از رکود اقتصادی است؛ اقتصادی چین در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۹ در مقایسه با سال گذشته ۶ درصد رشد داشته است که بر اساس آمارها، کمترین مقدار در دو دهه گذشته است؛ پکن سعی دارد با تأکید بر اینکه جنگ تجاری به پایان رسیده است، اعتماد مصرف کننده و سرمایه‌گذاران را احیا کند.

### • کاهش نرخ سرمایه‌گذاری و خروج سرمایه‌گذاران خارجی از چین

شاید بزرگ‌ترین چالش چین ممکن است نرخ کندتر شدن نرخ سرمایه‌گذاری باشد که در سپتامبر ۲۰۱۹ مجدداً کاهش پیدا کرد؛ که علت آن تنوعبخشی شرکت‌های بزرگ بین‌المللی به سبد کشورهای است که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. در واقع بخشی از سرمایه این شرکت‌ها به کشورهای دیگری غیر از چین می‌رود؛ (اگرچه شرکت‌های دولتی چینی همچنان سطح سرمایه‌گذاری خود را حفظ کرده‌اند) لازم به ذکر است که علاوه بر خطرات احتمالی جنگ تجاری، اقدامات نظارتی بسیار سخت‌گیرانه در چین و سیاست‌های اجبار شرکت‌ها جهت کاهش قیمت و حفظ مزیت رقابتی نیز در خروج سرمایه خارجی موثر بوده است.

هنگامی که چین توافق کرد که تا سال ۲۰۲۲ مقدار ۲۰۰ میلیارد دلار از آمریکا واردات داشته باشد؛ بسیاری از کارشناسان اظهار داشتند که چین در آینده این توافق را نقض خواهد کرد و در صورتی که چین بخواهد به این توافق پایبند باشد لازم است این کشور محصولاتی را که قبلاً از سایر کشورها می‌خریده است را از طریق آمریکا تأمین نماید؛ با توجه به مفاد توافق صورت گرفته تقریباً همه پذیرفته‌اند که ممکن نیست آمریکا در این توافق ضرر کند؛ در صورت تحقق این توافق و کاهش کسری تجاری آمریکا با چین، ادعاهای انتخاباتی ترامپ برای دستیابی به پیروزی در جنگ تجاری خود با پکن تقویت می‌شود؛ لازم به ذکر است چین تنها در صورت قطع خرید بسیاری از محصولات کشاورزی و کالاهای تجاری از کشورهای اروپایی، آمریکای لاتین و آسیای شرقی می‌تواند به این تعهد پایبند باشد؛ بسیاری از این کشورها متحدین آمریکا هستند که برخی از آن‌ها به خاطر از دست دادن بازار چین راضی نیستند. طی ۲۵ سال گذشته، چین تجارت خود با آمریکا را به گونه‌ای اداره کرده است که به طور مداوم به ازای هر ۱ دلار خرید، ۴ دلار فروخته است؛ بنابراین بخش خصوصی چین نخواهد توانست در طی ۲ سال، ۲۰۰ میلیارد دلار غلات، انرژی و تجهیزات آمریکایی خریداری کند؛ مگر اینکه دولت چین به شرکت‌های دولتی دستور دهد تا کالاهای آمریکایی را حتی در صورت گران‌تر بودن نسبت به سایر کشورها خریداری کنند؛ با این حال چین انگیزه جدی برای پابندی به این توافقنامه دارد.

شده تا نقش دلار در روابط تجاری را کاهش دهد. یکی از مسائلی که چین را به آمریکا وابسته می‌کرده است حجم بسیار زیاد دارایی‌های دلاری چین بوده است؛ (چین حدود ۳ هزار میلیارد دلار ذخایر خارجی دارد که حدود ۱۱۰۰ میلیارد دلار آن بدهی ملی آمریکا به چین است) این حجم از دارایی‌های دلاری به علت تراز تجاری بسیار مثبت چین در مقابل آمریکا بوده است. همچنین یکی از مسائلی که چین را از تبدیل شدن به بزرگترین اقتصاد جهانی باز می‌دارد قدرت انحصاری دلار در معاملات بین‌المللی است. در صورتی که چین بخواهد جایگاه یوآن را در معادلات بین‌المللی ارتقا دهد لازم پول خود را به یک ذخیره ارزش با کیفیت برای کشورهای دیگر تبدیل کند و برای این منظور لازم حجم ذخایر طلای خود را ارتقا دهد ولی مشکل چین این است که خرید طلا در حجم زیاد منجر به تزریق بیش از اندازه دلار به بازار و کاهش ارزش دارایی‌های خود می‌شود. بنابراین چین در صورتی که ورودی دلار به ذخایرش بر اثر تراز شدن تجارت‌اش با آمریکا کاهش یابد می‌تواند طی یک پروسه کوتاه‌مدت دارایی‌های دلاری خود را به طلا و سایر انواع دارایی‌های غیر دلاری تبدیل نماید و در عین حال جایگاه دلار را در اینکه یک ذخیره ارزش قابل اتکا است کاهش دهد. بنابراین بعد از دوره‌ای مشخص اقتصاد چین نسبت شوک‌های ارزی ناشی از نوسانات دلار مقاوم خواهد شد و جایگاه یوآن نیز بهتر از قبل خواهد بود. (البته چین باید در راستا تقویت و توسعه پیمان‌های پولی دوجانبه تلاش بیشتری از خود نشان دهد)

#### • کاهش فروش صنعت اتومبیل

دلیل دیگر، کاهش فروش صنعت اتومبیل این کشور است؛ براساس آمارهای رسمی، فروش خودرو ۵ درصد از تولید اقتصادی چین را شامل می‌شود و رشد صادرات این بخش به ایالات متحده نقش به‌سزایی در رشد چین دارد؛ حتی شرکت‌های خارجی مانند جنرال موتورز نیز تمام اتومبیل‌های خود را بصورت محلی مونتاژ می‌کنند و تقریباً قطعات کاملاً چینی دارند؛ در ماه سپتامبر فروش خرده‌فروشی خودرو نسبت به سال قبل ۶/۶ درصد کاهش یافته است که یک کاهش شدید برای یک صنعت که قبلاً به رشد دو رقمی سالانه عادت کرده بود، است.

#### • تب خوک آفریقایی

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند واردات چین را از آمریکا تشدید کند؛ شیوع بیماری همه‌گیر تب خوک آفریقایی است؛ چین در حال حاضر حدود ۴۰ درصد گله خوک خود به واسطه این بیماری از دست داده است و تقاضای گوشت خوک خارجی و سایر انواع گوشت افزایش یافته است؛ بنابراین محصولات آمریکایی در این بخش جایگزین مناسبی برای محصولات چینی هستند. (روغن ریخته‌راندر امامزاده کردن)

#### • کاهش دارایی‌های دلاری

شاید در ظاهر این عامل چندان پر اهمیت نباشد و حتی جز اهداف چینی‌ها هم بوده باشد ولی فرصتی استثنائی نصیب چین







## کرونا و اقتصاد چین

مناطق محروم کاهش داده‌اند. برخی اقتصاددانان چینی گفته‌اند که نرخ رشد اقتصادی چین می‌تواند در سه ماه اول سال ۲۰۲۰ به دلیل شیوع بیماری، دو درصد کاهش یابد و این موضوع باعث شده است که بخش‌های بزرگی از اقتصاد این کشور به بن‌بست بخورد؛ در واقع کاهش دو درصدی رشد اقتصادی در این سطح یعنی تولید، ۶۴ میلیارد دلار کمتر رشد کند؛ این موضوع برای چین تا حدود زیادی غیرقابل جبران خواهد بود زیرا رشد سال ۲۰۱۹ این کشور در طی سه دهه گذشته در بدترین وضعیت بوده است؛ زیرا چین علاوه بر افزایش بدهی‌ها، جنگ تجاری با آمریکا را نیز از سر گذرانده است. این کندی در رشد اقتصادی منجر به ایجاد بیکاری نیز شده است به طور معمول در اقتصاد چین به ازای هر درصد رشد اقتصادی حدود ۲۰۰ هزار شغل ایجاد می‌شود (بدون در نظر گرفت آمار سال ۲۰۱۸ که با حدود ۶/۵ درصد رشد اقتصادی حدود ۲/۵ میلیون شغل از بین رفت) و این رقم بسیار پایین‌تر از همین ارقام در اقتصاد ایران است (حدود ۲۵ هزار نفر اشتغال به ازای هر درصد رشد اقتصادی

با ظهور ویروس کرونا عدم قطعیت‌ها در اقتصاد چین افزایش پیدا کرده است ولی برآورد آثار اقتصادی این ویروس هنوز ممکن نیست و می‌توان تحلیل‌هایی را در این رابطه مطرح کرد. در واقع شبیه‌سازی و پیش‌بینی نتایج ایجاد یک شوک نوین در اقتصاد یک کشور با استفاده از مدل‌های تعادل عمومی پویا تصادفی (DSGE)، در صورتی که نحوه تعامل تعداد زیادی از متغیرها با یکدیگر قابل تحلیل نباشد امکان‌پذیر نیست؛ در این مورد خاص نیز اثرات شوک‌های ناشی از بیماری‌ها پیش از این چندان مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند ولی در ادامه برخی از تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های صورت گرفته ارائه می‌شود.

البته خسارات ناشی از ویروس کرونا بر اقتصاد چین را می‌توان با شیوع بیماری SARS در سال ۲۰۰۳ قابل مقایسه دانست و برخی نیز میزان خسارات ناشی از کرونا را از SARS بیشتر می‌دانند؛ دولت مرکزی و دولت‌های محلی چین تا ابتدای ماه فوریه حدود ۱۲/۶ میلیارد دلار برای هزینه درمان و تجهیزات پزشکی هزینه کرده‌اند؛ بانک‌های بزرگ نیز، نرخ بهره را برای مشاغل کوچک و افراد در



درصد کاهش پیدا کرده است ولی احتمالاً کاهش نرخ بهره بیشتر از این میزان خواهد بود.

همچنین برخی از شرکت‌های خارجی نیز در حال ترک چین هستند؛ از جمله این شرکت‌ها می‌توان به تسلا اشاره کرد که مجبور شده است کارخانه جدید خود در شانگهای را بطور موقت ببندد و اپل نیز تولیدات خود را متوقف کرده است.

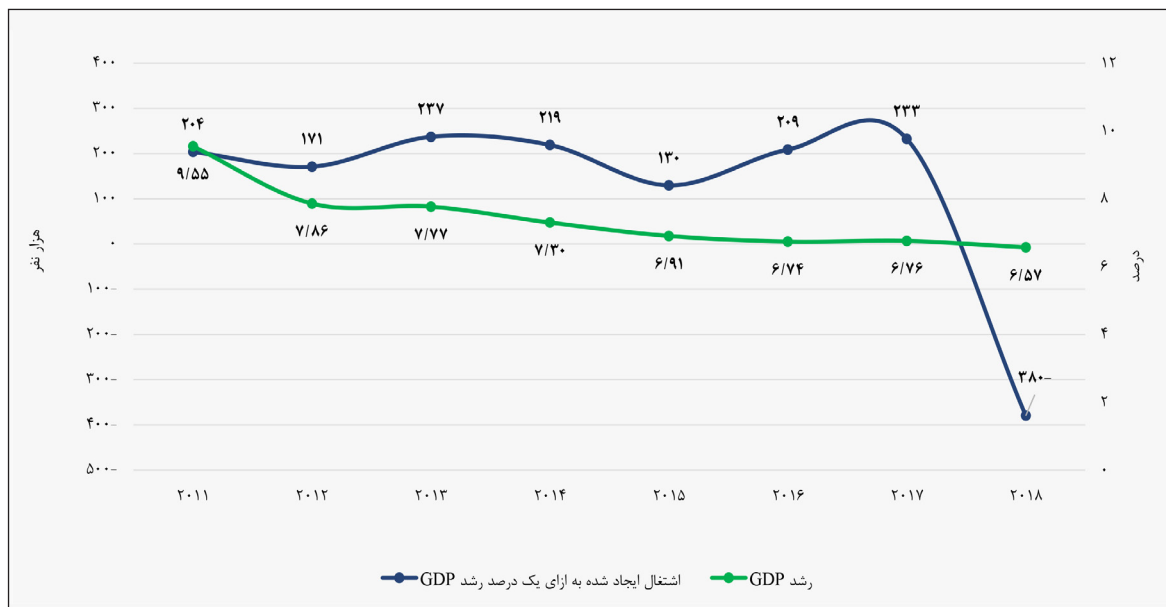
یکی دیگر از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد چین که به واسطه ویروس کرونا مختل شده، بخش گردشگری است که صنعتی چندین میلیارد دلاری است؛ بسیاری از مردم از ترس آلوده شدن از مسافرت خودداری می‌کنند. (شامل گردشگران چینی و غیرچینی که قصد بازدید از این کشور را دارند و هم گردشگرانی چینی که قصد سفر به سایر کشورهای جهان را دارند) بنابراین شرکت‌های مسافرتی، هتل‌ها و خطوط هوایی خدمات خود را محدود کرده و بسیاری از آن‌ها متوقف شده‌اند.

در عین حال گسترش ویروس کرونا علاوه بر از دست رفتن مشاغل منجر به افزایش قیمت مصرف‌کننده در این کشور نیز شده است و مشکلات اقتصادی بسیاری را نیز به وجود می‌آورد؛ به گزارش خبرگزاری دولتی شین‌هوا، در حال حاضر قیمت سبزیجات افزایش یافته است و اینکه مردم برای خرید وسایل اساسی از هنگام شیوع ویروس عجله بیشتر می‌کنند و خریدها حجیم‌تر شده است.

که با در نظر گرفتن نسبت جمعیتی دو کشور برای چین وضعیت مناسبی نیست) بنابراین این کاهش ۲ درصدی رشد اقتصادی چین به معنای شکننده‌تر شدن هرچه بیشتر وضعیت اقتصادی چین است زیرا طی سال‌های اخیر وضعیت اشتغال در این کشور رو به وخامت گذارده است.

بخش فناوری از جمله بخش‌هایی است که به طور سنتی مشاغل زیادی ایجاد می‌نماید و این بخش به واسطه کندی رشد اقتصادی آسیب دیده و شیوع کرونا این وضع را بدتر کرده است؛ همچنین ۲۹۰ میلیون کارگر مهاجر در چین از جمله کسانی هستند که بیشتر در معرض رکود قرار دارند؛ بسیاری از آن‌ها از مناطق روستایی به شهرها سفر می‌کنند تا مشاغل ساخت‌وساز یا کارهای خدماتی را انجام دهند.

اثر شیوع ویروس کرونا بر بازارهای مالی نیز قابل مشاهده است وقتی بورس هنگ‌کنگ در ۱۴ بهمن بعد از تعطیلات کار خود را آغاز کرد HSI تنها در چند روز معاملاتی نزدیک به ۶ درصد کاهش یافت و فقط در روز اول حدود ۴۰۰ میلیارد دلار کاهش ارزش داشت؛ بانک مرکزی چین به احتمال زیاد دستور کاهش هر چه بیشتر نرخ بهره را در اقتصاد صادر خواهد کرد (این اقدام در راستا ایجاد ثبات در اقتصاد صورت می‌گیرد زیاد کاهش نرخ بهره توان بانک‌ها را برای اعطای اعتبارات افزایش می‌دهد و زمینه برای رشد سرمایه‌گذاری بیشتر خواهد بود) البته در سال ۲۰۲۰ نرخ بهره چین حدود ۰/۲



Source: Worldbank.org



شرکت دیدبان بازار خاورمیانه  
شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۱۲۷۶۷۲